

توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب «آقای کتاب» منتشر شد

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در ادامه انتشار کتاب‌های خود در حوزه تاریخ شفاهی انقلاب، کتاب «آقای کتاب»: ضروری‌سر زندگی و زمانه حاج علی یزدان‌خوان، کتاب‌فروش انقلابی را منتشر کرد. به گزارش مهر، دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در ادامه انتشار کتاب‌های خود در حوزه تاریخ شفاهی انقلاب، کتاب «آقای کتاب» را منتشر کرد. «آقای کتاب» در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه شده و محمدحسین بارونقی تحقیق و تدوین آن را بر عهده داشته است. این کتاب، مروری بر زندگی و زمانه ۶۰سال کتاب‌فروشی «حاج علی یزدان‌خواه»، پدر شهید و از کتاب‌فروشان انقلابی و قدیمی شهر کاشان است. در پشت جلد این کتاب چنین آمده است: «انقلاب که پیروز شد با خودم گفتم من مسئولیت‌م را انجام دادم و حالا که جهد و سیاه، کتاب‌فروشی دارنم دیگر با یک مغازه کوچک کتاب‌فروشی نمی‌کنم و همان لوازم‌التحریر را می‌فروشم. برای مدتی هم کتاب‌نیاردم تا اینکه روزی خانمی به مغازه آمد و گفت کتاب «عربی آسان» می‌خواهم.

مهرجویی از زمان تازهاش رونمایی می‌کند
انتشارات به‌نگار به زودی از زمان تازه داروش **مهرجویی با عنوان «برزخ زوری» رونمایی می‌کند.** به گزارش مهر، این کارگردان سینما که در سال‌های گذشته به صورت فعال در حوزه تالیف و ترجمه فعالیت داشته است در این اثر داستانی تازه درباره زندگی یک کارگردان سینما صحبت کرده است و با نگاهی به دلمشغولی‌های فلسفی مهرجویی به رمان دیدگاه‌های هایدگر به مسئله مرگ توجه نشان می‌دهد.
مهرمان برزخ زوری روز هفدهم اسفندماه سال جاری در کتابفروشی انتشارات به‌نگار رونمایی خواهد شد. مهرجویی در سال جاری نیز کتاب‌های سفر به سرزمین فرشتگان و سفرنامه پاریس و آن رسید لغت‌نی را توسط این ناشر منتشر کرده است.

تصویربرداری سریال «الف وبژه» متوقف شد

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «الف وبژه» به کارگردانی «کمال تبریزی» متوقف شد.
به گزارش فارس، پس از گذشت حدود ۱۵ماه از آغاز تصویربرداری مجموعه «الف وبژه» به تهیه‌کنندگی محمد مسعود و کارگردانی کمال تبریزی، تصویربرداری سریال متوقف شد. ابتدا قرار بود این سریال در ماه مبارک رمضان روی آنتن برود که با تصمیم مدیران، بخش در ماه مبارک رمضان منتهی شد و در حال حاضر نیز مشخص نیست شرایط مالی منجر به توقف تولید شده یا دلایل دیگری در این زمینه وجود دارد.

حسین محبوب‌باز بگر نقش اصلی این سریال است که در نقش «سعدی» شاعر برجسته قرن هفتم هجری به ایفای نقش پرداخته است و این احتمال وجود دارد نام این سریال تغییر کند. در این سریال نادر فالاح در نقش مهرا ن و فریبا متضلی در نقش همسر سابق مهرا ن به ایفای نقش پرداختند. داستان این سریال درباره فردی به نام مهرا ن است که بازرگی است اما از آن دسته بازرگانی است که هیچ‌گاه نقش‌های اصلی به وی پیشنهاد نمی‌شود، زیرا اینکه ریز و ریز نقش سدهی به او پیشنهاد می‌شود اما یک شب سعدی در خواب سراغ او می‌آید ولی مهرا ن به حرف‌های او بی‌توجهی می‌کند و همین منجر به رخ دادن اتفاقاتی جالب می‌شود.

آغاز هفتمین دوره بزرگ‌ترین مسابقه کتابخوانی

پویش «کتاب‌وندگی» به «قصه دلبری» رسید
مجمع ناشران انقلاب اسلامی با همکاری انتشارات روایت فتح، به‌منظور ترویج فرهنگ مطالعه، پویش کتابخوانی **کتاب‌وندگی** را از جدید ۱۰سالگی انقلاب تا عید سعید فطر بر گزار می‌کند. کتاب‌عمود این دوره از پویش، «قصه دلبری»، روایت مهر جان ذری، همسر شهید محمدحسین محمدخانی از شهدای مدافع حرم است. این کتاب را محمدعلی جعفری به رشته تحریر آورده و انتشارات روایت فتح آن را منتشر کرده است. کتاب «قصه دلبری» –برای این دوره از پویش، «قصه دلبری» روایت مهر جان ۱۵هزار و ۵۰۰نمونه عرضه شده‌است. «قصه دلبری» روایت عاشقانه پنج سال زندگی مشترک راوی کتاب با شهید محمدخانی است. جالب‌است بدانیکه شهیدمحمدخانی پیش از شهادت به همسرش گفته‌است: «وقتی شهید شدم، خاطراتم را در قالب «نیمه پنهان ماه» انتشارات روایت فتح چاپ کن» و به نقل بعضی از خاطرات در این کتاب تأکید داشته‌است. دوره هفتم پویش کتاب‌وندگی که به همت مسجد ناشران انقلاب اسلامی و انتشارات روایت فتح بر گزار می‌شود، همچون دوره‌های قبل دارای جوایز متنوع و روش‌های مختلف برای شرکت در مسابقه است.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطارح میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۵۹۹ | دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۷ | ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۷:۱۷ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۵ | مغرب: ۱۸:۱۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۵ | طلوع آفتاب: ۶:۳۹ | ۰

نگاهی به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی»

ساخته محسن امیربوسفی

کسی این فیلم را جدی نمی‌گیرد

مردم ارتباط برقرار کنند و قطعاً امیربوسفی به دنبال مخاطب خاص نبوده اما سبک فیلمسازی او مخاطب عام را نیز درگیر نمی‌کند.

پیروز و خانه- و آدم‌ها همه نماد چیزی هستند و تماشاگر باید قبلاً اطلاعات سیاسی مفکی و ویژه درباره جریان‌های سیاسی ابتدای انقلاب داشته باشد تا بتواند از دیالوگ‌های پر فشار فیلم سردر بی‌آورد. پیروز گویا نماد ایران است که قصد دارد همه را با هم آشتی بدهد ولی معلوم نیست فیلمساز چگونه به این ذهنیت گل و بلبل‌ی صلح کامل نائل آمده و عرصه سیاست را برچه مبنایی اقتدر لطیف دیده است. هر چند این تصویر می‌تواند ایده‌الیستی باشد اما حقیقت صحنه سیاسی نمی‌تواند تا این اندازه ساده باشد.

جالب است که فیلمساز دقیقاً معلوم نیست کجا ایستاده. آیا قرار است طرف سیما باشد؟ خود سیما دقیقاً چگونه آدمی است؟ ما او را صرفاً در دو صحنه از فیلم می‌بینیم که در رفت و آمد است. آیا قهرمان امیربوسفی این زنی است که مثلاً در حال مبارزه خیابانی است و خودش می‌گوید در جریان انقلاب دنباله رو شوهر مار کیستش بوده؟ خب تکلیف این کاراکتر با تماشاگر با این پرداخت ضعیف می‌تواند از قبل مشخص باشد. داستان از زوایه دید یک پیروز تنها روایت می‌شود. شوهرمنیر خانم سال‌ها پیش بر اثر سکنه فوت کرده و پسرش امیر در جنگ شهید شده و پسر دیگرش رامین برای ادامه تحصیل به فرنگ رفته، منصور برادر منیر که یک چپ‌گرای انقلابی بوده در سال ۶۱ یعنی همان سال اعلام مبارزه مسلحانه برخی گروه‌های چپ کشته شده اما ظاهراً در پایان فیلم معلوم می‌شود که خودکشی کرده، حالا ما چهار تیپ در قاب عکس داریم که با هم گفت‌وگو می‌کنند و منیر خانم میداندار این گفت‌وگو است.

این چهار تیپ هر کدام یک نماد هستند؛ نمادهایی از چند طبقه فرهنگی و اجتماعی که هرگز تبدیل به یک کاراکتر مستقل نمی‌شوند. بحث و جدل‌ها چون پشت‌بونه دراماتیک ندارند هرگز از نسوی تماشاگر جدی گرفته نمی‌شوند و در حد یک جرو بحث بی‌گانه نمود می‌یابند. فیلم البته درگیر نوستالژی‌بازی هم می‌شود. این همانی کردن میان پیش از انقلاب و پس از انقلاب هم اگر چه با توجیه سانسور به کار رفته است اما نمی‌تواند حقیقت ماجرا و تفاوت بنیادین میان این دو مقطع را جابیندازد و برای همین در بهترین حالت صرفاً خنده‌دار و شاید کمی خلاقانه‌از کار درآمده است.

اما فیلم آشغال‌های دوست‌داشتنی از این جهت که برای مخاطب ایرانی ساخته شده و نه برای جشنواره‌های خارجی می‌تواند قابل تحلیل باشد. اساساً نوع روایت و سبک کار فیلمساز به گونه‌ای است که قطعاً مخاطب غربی‌ای با آن ارتباط برقرار نمی‌کند و آن را نمی‌فهمد.

فیلم اگر همان سال تولید به اکران می‌رسید هم هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتاد. تنها خاصیت این توقیف چندساله این بود که نام فیلمساز را به عنوان یک هنرمند مظلوم سرزبان‌ها انداخت و موقعیت او را تا ریاست شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمایی ایران بالا برد اما حالا و با اکران دیر هنگام فیلم که با حجم قابل توجهی از تبلیغات شهری نیز روبرو شده باید فروش خوب هفته اول فیلم را نیز مدیون حاشیه‌های آن دانست.

توقیف چندین ساله فیلم آشغال‌های دوست‌داشتنی بار دیگر نشان داد که مسئولان بیش از آنکه روی امنیت فرهنگی شهروندان حساس باشند با عینک سیاسی به فیلم‌ها نگاه می‌کنند. فیلم محسن امیربوسفی با همه ضعف‌های ساختاری و سینمایی‌اش برای تماشاگر ایرانی از خانواده‌ها به مراتب نسبت به بسیاری از آثار ضدفرهنگی که

حساسیت کمتری روی آنها وجود دارد فیلم بی‌ضررتی است چراکه در آن نه زحافتی و نزاع خانوادگی خبری است نه مقام‌مادر لگدمال می‌شود، نه از خیانت و جنایت و خوشنوی خبری هست و نه روی فحش‌های پیدا و پنهان و روابط نامشروع و تقدیس فریادت افسارگسیخته تمرکز شده است. ما فقط با یک فیلم معمولی طرفیم که می‌خواهد به زعم سازنده‌اش مثلاً شعارهای قشنگ بدهد ولی کسی آن را جدی نمی‌گیرد.

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!

حکمت ۱۱۷

دو کس درباره من هلاک شدند؛

دوست غلوکننده و دشمن

کینه‌توز!



دیوار نگاره بهانه است، ایفای نقش مادری نشانه است

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

دفاع از جایگاه زن، جلوگیری از توهین‌به زنان … از جمله کلیدواژه‌های قشنگی است که افراد و رسانه‌های غیرانقلابی با اس‌م رمز «دفاع از حقوق زنان» در واکنش به دیوارنگاره جدید میدان ولی‌عصر(عج) از خود بروز دادند؛ دیوارنگاره‌ای که به مناسبت نزدیکی روز مادر طراحی و نصب شده است.

تاکنون چندین طرح در دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) نصب شده که چالش برانگیز شده است تا جایی که در حوزه سیاسی شاهد چالشی میان جریان‌ات و گروه‌های مختلف بر سر آن بودیم. اخیراً نیز یک تصویر زیبا از مادری با کودک خود با رنگ‌ها و المان‌های نشاط آفرین، در این دیوارنگاره به نمایش درآمده که در عین نابوری مورد انتقاد شدید و بی‌منطق برخی چهره‌ها و روزنامه‌های اصلاح‌طلب واقع شده است.

صحنه چندین طرح در دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) مجازی‌اش نوشته: «دبیر کل جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان، دستیار ویژه پیشین رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی و معاون پیشین رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده»، جزو اولین نفراتی بود که هجوم رسانه‌ای علیه دیوارنگاره جدید میدان ولی‌عصر(عج) را سا آنچه دفاع از جایگاه زن عنوان می‌شود، آغاز کرد.

دومین واکنش عجیب با استدلال‌های فاقد منطق مربوط می‌شود به روزنامه طالبان پیش از آنکه پار طرفداری از زنان را در خود داشته باشد به صورتی کاملاًعریان نشان دهنده شیطنت سیاسی آنهاست. چه اینکه اصلاح‌طلبان با سوءاستفاده از

روزنماه آرمان که به روزنامه خاندان هاشمی اشتها دارد، یکی دیگر از رسانه‌های لطیف اصلاح‌طلبان است که با تیتیر «واج بی‌احترامی به زنان» به قلم یک خبرنگار خانم نوشت: «دیوارنگاره جدی میدان ولی‌عصر(عج) طرحی است که به نام گرمیادشت روز زن است و نشان از حضور یک زن در منزل در حال سامان دادن به وضعیت سه فرزندش دارد. برداشتی که از این طرح می‌شود چنین است که وظیفه زن تنها در تربیت فرزندانش خلاصه می‌شود و پس در صورتی که همگان بر این اعتقاد هستند در دنیای امروز و ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی کشور نمی‌توان زن را تنها در چارچوب خانه و در حال تربیت فرزند به تصویر کشید.»

بدون هیچ اغراقی باید گفت که دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) با آن گستره چندین متری و البته قرار گرفتن در جغرافیای خاصی مثل میدان مهم و بسیار

تهیه‌کننده «متری شیش‌ونیم»:

به جای دستمزد بین معتادان مواد توزیع کردیم!



است که زبان سینما با یخشانمه‌ها یکسان نیست و باید تعاملات و همسان‌سازی به وجود بیاید تا بتوانیم همدیگر را تحمل کنیم و چهار تا دیالوگ، سازمانی را به هم نریزد، البته در برخی قسمت‌های فیلم، سکانس‌هایی سادگانه در زمان ساخت حذف شد و مفهوم فیلم را تغییر می‌داد. ساداتان افروزد، وقتی موضوعی این چنینی توانسته توجه مردم را به خود جلب کند، از این زمان به بعد باید موضوع، تحلیل اجتماعی شود. در یک فیلم تمام ابعاد را نمی‌شود مطرح کرد اما در صورت برگزاری میزگردهای توان این نکات را بررسی کرد. وی همچنین درباره سکانس‌های حذف‌شده این فیلم گفت: پداری بود که پسری ۱۴ساله داشت و پدرش او را معتاد کرده بود که هر کاری دوست دارد سر او بیآورد و مثل رویات باشد. ما از او فیلم گرفتیم ولی در تدوین خودمان آن را حذف کرده بودیم، چون واقعاً تلخ بود با سکانس دیگری که در خانه رضا مرادی وجود داشت و به ما گفته شده بود پلیس نباید خشونت داشته باشد و برخورد با زن درست نیست.

^[1] است که زبان سینما با یخشانمه‌ها یکسان نیست و باید تعاملات

^[2] است که زبان سینما با یخشانمه‌ها یکسان نیست و باید تعاملات